

## یدالله دهستانی نماینده شهریار و ساوجبلاغ

(دوره‌های پنجم تا چهاردهم مجلس شورای ملی)\*

معین‌الدین محرابی

پژوهشگر

### چکیده

یدالله دهستانی نماینده دوره‌های پنجم تا پایان دوره چهاردهم مجلس شورای ملی از حوزه نمایندگی شهریار و ساوجبلاغ بود. وی در دوره پنجم و ششم، در مقایسه با دو نماینده پیش از خود یعنی قاسم‌خان صوراسرافیل و محمدصادق طباطبایی که هیچ تلاشی برای مسائل و مشکلات ناحیه شهریار و ساوجبلاغ ننمودند، مسائل و مشکلات حوزه نمایندگی خود را در معرض توجه قانون‌گذاران قرار داد. توجه به خشک کردن مرداب‌ها، رفع بیماری مالاریا و ایجاد مدرسه، از جمله اقدامات مهم وی در دوران نمایندگی‌اش بوده است.

دهستانی از دوره هفتم به بعد، درخصوص محل نمایندگی خود کمتر اظهار نظر کرد و بیشترین اهتمام خود را به جرح و تعدیل، و تنظیم و تدوین قوانین مطروحه در مجلس اختصاص داد.

**کلیدواژه‌ها:** یدالله دهستانی، شهریار، ساوجبلاغ، دوره‌های پنجم تا چهاردهم مجلس شورای ملی، خشک کردن مرداب‌ها، بیماری مالاریا.

تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۲۹

\* تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱۱

## مقدمه

با مرگ ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۳۱۳ هـ.ق. و به سلطنت رسیدن مظفرالدین میرزا، دوره جدیدی در حیات سیاسی ایران پدید آمد که به گسترش مبارزات مشروطه‌خواهی انجامید. نتیجه این مبارزات، در تاریخ ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ هـ.ق. با امضای فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین‌شاه به ثمر رسید. در پی آن، دولتمردان، علما و بازرگانان با برگزاری چندین جلسه گفتگو و مبادله افکار پیرامون نظام‌نامه انتخابات، سرانجام در ۱۹ رجب ۱۳۲۴ هـ.ق. / ۱۶ شهریور ۱۲۸۵ هـ.ش. نظام‌نامه انتخابات را در سی و سه ماده به امضای شاه رساندند.<sup>۱</sup> در تاریخ ۱۸ شعبان ۱۳۲۵ یعنی نزدیک به دو ماه پس از تصویب آن، نخستین دوره مجلس شورای ملی افتتاح گردید.

مطابق اصل چهارم قانون اساسی مصوب ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴:

عده انتخاب‌شوندگان ... از برای طهران و ایالات فعلاً یکصد و شصت و دو نفر معین شده است و برحسب ضرورت، عده مزبور، تزاید تواند یافت الی دویست نفر.<sup>۲</sup>

در نظام‌نامه انتخابات، اشاره‌ای به تعداد دقیق منتخبین نشده ولی ماده هشتم آن تصریح دارد: عده انتخاب‌شدگان برای مجلس شورای ملی در ممالک محروسه ایران، بیش از دویست نفر نمی‌تواند باشد.<sup>۳</sup>

مطابق احصائی که راقم این سطور انجام داده، تعداد نمایندگان دوره اول، ۱۵۸ نفر بوده است.<sup>۴</sup> البته این تعداد را ۱۵۹ نفر<sup>۵</sup> و ۱۶۲ نفر<sup>۶</sup> نیز نوشته‌اند که ۶۰ نفر آن به نمایندگان تهران اختصاص داشت. از این ۶۰ نفر، ۳۰ نفر از طبقه علما، بازرگانان، ملاکین، اعیان، ایل قاجار و شاهدگان و سی نفر نیز از اصناف دیگر بود.

در دوره اول و دوم مجلس شورای ملی، اهالی شهریار و ساوجبلاغ نماینده‌ای در مجلس نداشتند ولی براساس قوانین مربوط به حوزه‌بندی انتخابات که در روز یکشنبه ۲۱ شوال ۱۳۲۹ هـ.ق. / ۲۲ مهر ۱۲۹۰ هـ.ش. یعنی در آخرین ماه‌های دوره دوم مجلس به شور گذارده شد، به انتخاب یک نماینده برای «شهریار، ساوجبلاغ، اشتهارد و برقان فشند» تصریح گردید.<sup>۷</sup>

با اتمام دوره دوم قانون‌گذاری، یک دوره فترت سه‌ساله پدید آمد که طی آن، مجلس سوم تشکیل نگردید و در نهایت، در ۱۷ محرم ۱۳۳۳ هـ.ق. / ۱۴ آذر ۱۲۹۳ هـ.ش. یعنی پس از حدود سه سال که از پایان

۱. مشروح مذاکرات مجلس، دوره اول؛ صص ۶-۷.

۲. مصاحب، غلامحسین، دایرة‌المعارف فارسی، ج ۲ (تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۸۳)؛ پاورقی ص ۱۹۹۵.

۳. مشروح مذاکرات مجلس، دوره اول؛ ص ۶.

۴. همان؛ صص ۴-۵.

۵. صفایی، ابراهیم، نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت امور خارجه (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وابسته به وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰)؛ ص ۱۷۸.

۶. مروارید، یونس، از مشروطه تا جمهوری؛ نگاهی به ادوار مجالس قانون‌گذاری در دوران مشروطیت (تهران: نشر اوحدی، ۱۳۷۷)؛ ص ۱۱۳؛ به نقل از سیدحسن تقی‌زاده.

۷. روزنامه مجلس، سال ۵، ش: ۳۷، یک‌شنبه ۲۸ شوال ۱۳۲۹ هـ.ق.؛ ص ۲، ستون ۳.

دوره دوم مجلس قانون‌گذاری می‌گذشت، مجلس سوم در شرایطی شکل گرفت که جنگ جهانی اول دامنگیر شده بود.

با انتخاب یک نماینده برای شهریار و ساوجبلاغ که در مجلس دوم به تصویب رسید، ناحیه شهریار و ساوجبلاغ توانست در سومین دوره مجلس شورای ملی که مدت فعالیت آن یک سال یعنی از ۱۴ آذر ۱۲۹۳ آغاز شده و تا ۲۱ آبان ۱۲۹۴ هـ.ش. (۱۷ محرم ۱۳۳۳ تا ۶ محرم ۱۳۳۴ هـ.ق.) پایان می‌یافت، یک نماینده در مجلس داشته باشد.

در سومین دوره مجلس شورای ملی، یکی از مشروطه‌خواهان موسوم به میرزا قاسم‌خان تبریزی (صوراسرافیل<sup>۱</sup>) به نمایندگی از مردم شهریار و ساوجبلاغ به مجلس راه یافت و این زمانی بود که بیشتر اهالی ناحیه شهریار علاوه بر دست‌به‌گriبانی با بیماری مالاریا، در بی‌سوادی مطلق نیز به سر می‌بردند؛ به‌گونه‌ای که در انتخابات مجلس سوم، حتی «اعضای انجمن نظار شهریار به کلی بی‌سواد بودند»<sup>۲</sup> با مطالعه مشروح مذاکرات دوره سوم تقنینیه درمی‌یابیم که قاسم‌خان صوراسرافیل در طول مدت نمایندگی خود، برای یک بار هم که شده، نام شهریار و ساوجبلاغ را بر زبان نیاورده و در دوران نمایندگی خود هیچ توجهی به مشکلات و معضلات ناحیه شهریار ننموده است.

در چهارمین دوره مجلس شورای ملی که افتتاح و خاتمه آن، از اول تیر ۱۳۰۰ تا ۳۰ خرداد ۱۳۰۲ بود، یکی از مشروطه‌خواهان موسوم به سیدمحمدصادق طباطبایی<sup>۳</sup>، نمایندگی مردم شهریار و ساوجبلاغ را عهده‌دار گردید. او نیز همچون نماینده دوره سوم شهریار هیچ یادی از محل نمایندگی خود ننمود. شایان ذکر آنکه در این دوره، لایحه راه شوسه تهران به شهریار را دولت به مجلس ارائه نمود.<sup>۴</sup>

۱. شایان ذکر آنکه روزنامه صوراسرافیل از جراید دوره مشروطیت، با سرمایه میرزا قاسم‌خان تبریزی (صوراسرافیل) و با مدیریت میرزا جهانگیرخان شیرازی و سردبیری علی‌اکبر دهخدا منتشر می‌گردید. درباره قاسم‌خان صوراسرافیل، نک: آریز پور، یحیی، از صبا تا نیما، ۲ (تهران: انتشارات زوار، ۱۳۸۲)؛ ص ۷۷؛ اسنادی از مطبوعات و احزاب دوره رضاشاه (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰)؛ صص ۲۳۱ و ۲۴۸؛ بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، ج ۵ (تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۱)؛ ص ۱۷۸؛ براون، ادوارد، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ترجمه محمد عباسی، ج ۲ (تهران: کانون معرفت، ۱۳۳۷)؛ صص ۴۹۸-۵۰۰؛ سپهر (مورخ‌التوله)، احمدعلی، ایران در جنگ بزرگ (۱۹۱۴-۱۹۱۸) (تهران: بی‌نا، ۱۳۳۶)؛ ص ۱۰۳؛ صدر هاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران (اصفهان: انتشارات کمال، ۱۳۶۴)؛ صص ۱۴۷-۱۲۹؛ عاقلی، باقر، شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۲ (تهران: نشر گفتار و نشر علم، ۱۳۸۰)؛ صص ۹۴۵-۹۴۴؛ مروارید، همان؛ صص ۲۱۳، ۲۹۳، ۳۰۵ و ۳۳۱؛ موسوی عباد، سیدعلی‌اصغر، شهرداران تهران (قم: نشر خرم، ۱۳۷۸)؛ صص ۶۷-۶۶؛ نظام‌السلطنه، رضاقلی‌خان، صورت‌جلسات هیئت دولت مهاجرت، به کوشش منصوره اتحادیه (تهران: کتاب سیامک و نشر تاریخ ایران؛ ۱۳۷۹)؛ ص ۳۶۲؛ یغمایی، اقبال، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵)؛ صص ۲۵۱، ۲۶۸، ۳۰۰ و ۴۲۰؛ روزنامه صوراسرافیل (دوره کامل).

۲. اتحادیه، همان؛ ص ۱۶۹.

۳. سیدمحمدصادق طباطبایی از پایه‌گذاران روزنامه مجلس؛ درباره وی و روزنامه مجلس، نک: اتحادیه، همان؛ ص ۲۵۴؛ بامداد، همان؛ ج ۳؛ صص ۴۰۹-۴۱۰؛ «رؤسای ادوار مجلس شورای ملی»، سالنامه دنیا، سال ۱۸؛ ص ۲۶۷؛ صدرهاشمی، همان؛ ج ۴؛ صص ۱۸۸-۱۸۳؛ عاقلی، همان؛ صص ۹۷۴-۹۷۰؛ محرابی، همان؛ صص ۲۷۵-۲۷۲؛ مروارید، همان؛ ج ۱؛ ص ۳۴۵ و ج ۳؛ صص ۶۸-۵۹؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد، تاریخ بیداری ایرانیان، بخش اول (تهران: انتشارات آگاه و انتشارات نوین، ۱۳۶۲)؛ صص ۱۶۲-۱۶۰؛ یغمایی، همان؛ صص ۱۹۳-۱۹۲؛ روزنامه مجلس.

۴. مشروح مذاکرات مجلس، دوره چهارم، جلسه ۱۱۱ و ۱۱۵.

## یدالله دهستانی

وی نماینده دوره‌های پنجم تا پایان دوره چهاردهم مجلس شورای ملی بود؛ به عبارتی دهستانی ده دوره نمایندگی مجلس را بر عهده داشت که مجموعاً ۲۲ سال را شامل می‌شد؛ افتتاح و خاتمه هر یک از این دوره‌ها بدین قرار بوده است:

- دوره پنجم: از ۲۲ بهمن ۱۳۰۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۰۴؛  
 دوره ششم: از ۱۹ تیر ۱۳۰۵ تا ۲۲ مرداد ۱۳۰۷؛  
 دوره هفتم: از ۱۴ مهر ۱۳۰۷ تا ۱۴ آبان ۱۳۰۹؛  
 دوره هشتم: از ۲۴ آذر ۱۳۰۹ تا ۲۴ دی ۱۳۱۱؛  
 دوره نهم: از ۲۴ اسفند ۱۳۱۱ تا ۲۴ فروردین ۱۳۱۴؛  
 دوره دهم: از ۱۵ خرداد ۱۳۱۴ تا ۲۲ خرداد ۱۳۱۶؛  
 دوره یازدهم: از ۲۰ شهریور ۱۳۱۶ تا ۲۷ شهریور ۱۳۱۸؛  
 دوره دوازدهم: از ۳ آبان ۱۳۱۸ تا ۹ آبان ۱۳۲۰؛  
 دوره سیزدهم: از ۲۲ آبان ۱۳۲۰ تا اول آذر ۱۳۲۲؛  
 دوره چهاردهم: از ۶ اسفند ۱۳۲۲ تا ۲۱ اسفند ۱۳۲۴.

سن	خاتمه دوره	افتتاح دوره	تعداد آراء	زمان انتخابات	دوره	نمایندگان
					۲-۱	بدون نماینده
	۲۱ آبان ۱۲۹۴	۱۴ آذر ۱۲۹۳	(؟)	مهر ۱۲۹۰	۳	قاسم خان تبریزی (صوراسرافیل)
۳۹	۳۰ خرداد ۱۳۰۲	اول تیر ۱۳۰۰	۶۷۵۶ رأی از ۸۰۹۸ رأی	آبان ۱۲۹۸	۴	محمدصادق طباطبایی
۴۲	۲۲ بهمن ۱۳۰۴	۲۲ بهمن ۱۳۰۲	۳۳۸۲ رأی <sup>۱</sup>	فروردین ۱۳۰۲	۵	یدالله دهستانی
۴۴	۲۲ مرداد ۱۳۰۷	۱۹ تیر ۱۳۰۵	۹۰۳۱ رأی از ۹۴۸۸ رأی	۲۸ فروردین ۱۳۰۵	۶	
۴۷	۱۴ آبان ۱۳۰۹	۱۴ مهر ۱۳۰۷	۸۷۱۵ از ۹۴۰۳	۱۲ خرداد ۱۳۰۷	۷	
۴۹	۲۴ دی ۱۳۱۱	۲۴ آذر ۱۳۰۹	۹۴۲۳ از ۹۵۲۰	مهر ۱۳۰۹	۸	
۵۱	۲۴ فروردین ۱۳۱۴	۲۴ اسفند ۱۳۱۱	۱۰۳۳۸ از ۱۰۴۶۲	آبان ۱۳۱۱	۹	
۵۳	۲۲ خرداد ۱۳۱۶	۱۵ خرداد ۱۳۱۴	۱۲۶۵۴ از ۱۲۸۰۷	۱۸ بهمن ۱۳۱۳	۱۰	
۵۶	۲۷ شهریور ۱۳۱۸	۲۰ شهریور ۱۳۱۶	۱۴۱۲۴ از ۱۴۲۰۱	۲۸ اسفند ۱۳۱۵	۱۱	
۵۸	۹ آبان ۱۳۲۰	۳ آبان ۱۳۱۸	۱۴۹۵۹ از ۱۵۰۳۳	۲۴ تیر ۱۳۱۸	۱۲	
۶۰	اول آذر ۱۳۲۲	۲۲ آبان ۱۳۲۰	۱۱۸۴۹ از ۱۲۲۸۴	۲۸ مرداد ۱۳۲۰	۱۳	
۶۲	۲۱ اسفند ۱۳۲۴	۶ اسفند ۱۳۲۲	۱۰۷۷۹ <sup>۲</sup> از ۱۰۶۱۲۶	۲۲ شهریور ۱۳۲۲	۱۴	

۱. اتحادیه، همان؛ ص ۲۵۴.

۲. تعداد آراء دوره‌های ۶ تا ۱۴، به نقل از مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی در دوره‌های یاد شده است.

### نمایندگان شهریار، ساوجبلاغ و کردان در مجلس شورای ملی



- دوره ۱: فاقد نماینده
- دوره ۲: فاقد نماینده
- دوره ۳: قاسم‌خان صوراسرافیل
- دوره ۴: سیدمحمد طباطبایی
- دوره ۵-۱۴: یدالله دهستانی
- دوره ۱۵-۱۷: بهاء‌الدین کههد
- دوره ۱۸: سیدجواد حمزوی
- دوره ۱۹: عبدالعلی دهستانی

از دوره ۲۰ تا ۲۴، عنوان نماینده «شهریار، ساوجبلاغ و کردان» برداشته شده و در متون و اسناد، نماینده «کرج»، درج گردیده است.

### نمایندگان کرج در مجلس شورای ملی



- دوره ۲۰: عبدالعلی دهستانی
- دوره ۲۱-۲۲: سید زین‌العابدین ارسنجانی
- دوره ۲۳: عباس زاهدی، محمد بدرخانی، امیرعباس جهان
- دوره ۲۴: عباس اخباری، سید محمدکاظم جزایری، نورالله قدمی

### یدالله دهستانی، از تفرش تا تهران

یدالله دهستانی فرزند عبدالوهاب‌خان در سال ۱۲۶۱هـ.ش.<sup>۱</sup> (۱۳۰۰هـ.ق.) و در عهد ناصرالدین شاه قاجار در تفرش<sup>۲</sup> به دنیا آمد. در شش‌ماهگی از نعمت پدر محروم شد و در حدود هشت‌سالگی مادرش را نیز از دست داد. از کودکی به مکتب‌خانه قدیمی تفرش رفت و به قدر نیاز، دانش آن روز را فراگرفت. در سال ۱۲۷۷هـ.ش./۱۳۱۶هـ.ق. یعنی در عهد سلطنت مظفرالدین‌شاه در حالی که ۱۶ سال داشت، برای امرار معاش، راهی تهران شد. در تهران همچون میرزایان با نامه‌نگاری و لایحه‌نویسی برای این و آن، مخارج زندگی‌اش را تأمین می‌کرد:

۱. با مطالعه اعتبارنامه‌های یدالله دهستانی که در مرکز اسناد کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود، درمی‌یابیم که وی در سال ۱۲۶۱هـ.ش. ولادت یافته است. اگرچه در اعتبارنامه‌ها سال تولد به صراحت قید نگردیده، ولی سن منتخب، ذکر شده که با محاسبه آن، می‌توان این سال را سال تولد وی دانست.

۲. یدالله دهستانی در مصاحبه با مجله روشنفکر به ولادت خود در تفرش اذعان می‌نماید (روشنفکر، سال سوم، ش: ۱۱۶، پنج‌شنبه ۲۷ مهر ۱۳۳۴؛ ص ۷). این در حالی است که باقر عاقلی وی را «از اهالی ساوجبلاغ و شهریار کرج، متولد سال ۱۲۶۲هـ.ش.» نوشته‌است. (عاقلی، همان؛ ج ۲؛ ص ۶۸۸)

شش ماهه بودم که پدرم را از دست دادم<sup>۱</sup> و هنوز به سن ۸ سالگی نرسیده بودم که بی‌مادر هم شدم. تحصیلاتم را در مکتب قدیمی تفرش آغاز کردم و همان‌جا نیز به پایان رسانیدم و در ۱۶ سالگی برای تهیه نان چون گنجشک بی‌بال و پری آهنگ تهران کردم. تنها ثروتم یک قلمدان بود و من با نوشتن کاغذ، زندگی می‌گذراندم ...<sup>۲</sup>

یدالله دهستانی در زمان صدور فرمان مشروطیت، ۲۴ ساله بود. احتمالاً مقارن با این ایام، پای او به ناحیه شهریار کشیده شده است.

عاقلی می‌نویسد:

در جریان تغییر سلطنت و انقراض قاجاریه، فعالیت داشت و به نفع سردار سپه دسته راه انداخت. این کارها موجب معروفیت او شد و در دوره پنجم، وکیل مجلس شد.<sup>۳</sup>

فی‌الواقع عاقلی در کتاب *شرح حال رجال سیاسی و نظامی* به قدری اشتباهات دارد که بر این قول وی نیز نمی‌توان اعتماد نمود زیرا مطابق یکی از اسناد، یدالله دهستانی در سال ۱۳۰۰ هـ.ش. یعنی چند سال پیش از نمایندگی مجلس، امین مالیه شهریار بوده است.<sup>۴</sup> البته اینکه از چه سالی و به مدت چند سال امین مالیه شهریار بوده، نامعلوم است. باید گفت در شهریار آن زمان با جمعیتی اندک و روستاهایی پراکنده، جناب میرزا یدالله‌خان چه دسته‌ای می‌توانسته راه بیندازد و اصلاً مأخذ این گفته کجاست؟!

### میرزا یدالله از «نظامی» تا «دهستانی»

میرزا یدالله یک چند فامیلی نظامی را برای خود برگزید و چون برای این نام یعنی فامیلی «نظامی» معارضی پیدا شد، آن را به «دهستانی» تغییر داد. پس از تغییر، تا سال‌های مدید، نام وی به صورت میرزا یدالله‌خان دهستانی (نظامی) و یا یدالله دهستانی (نظام) نوشته می‌شد و بعدها، پسوند نظامی و نظام به صورت کامل حذف گردید.

مطابق یکی از اسناد مجلس، در سال ۱۳۰۴ میرزا عبدالحسین نظامی مدیر دواخانه نظامی تهران، نامه‌ای به رئیس مجلس شورای ملی (حسین پیرنیا) نوشته و از تشابه اسمی خود با میرزا یدالله‌خان که مشکلاتی را برایش پدید آورده بود، شکایت کرده است. میرزا یدالله نیز در پاسخ، این فامیلی را قانونی و موروثی پدر عنوان نموده است.<sup>۵</sup> خود دهستانی در خاطراتش می‌گوید:

من فامیلم «نظامی» بود و «دهستانی» را بعد برای خودم انتخاب کردم. در نظرم هست، روزی با دو سه تن از همکاران به حضور ... [رضاشاه] که اوایل سلطنت ایشان بود، شرفیاب بودیم. اعلی‌حضرت از ما

۱. یدالله دهستانی بنا بر نقل صریح خودش، در شش ماهگی پدر را از دست داده است ولی باقر عاقلی می‌نویسد: «پدرش عبدالوهاب زارع بود و چند هکتار زمین زیر کشت داشت؛ پدر و پسر دست به دست هم دادند و تدریجاً کشاورزی آن‌ها توسعه پیدا کرد و سری توی سرها در آوردند!» (عاقلی، همان؛ ج ۲؛ ص ۶۸۸).

۲. روشنفکر، همان؛ ص ۷.

۳. عاقلی، همان.

۴. سازمان اسناد ملی، (شماره بازیابی: ۲۳۵-۲۳۰؛ ص ۱۴۵).

۵. مرکز اسناد مجلس، (شماره بازیابی: ۵/۸۵/۱۳/۱/۱۹).

سؤال فرمودند، وضع مردم چگونه است و دربارهٔ تحولات اخیر، چه فکر می‌کنند؛ من عرض کردم: قربان به‌طور کلی مردم از اوضاع راضی نیستند و مخصوصاً از «نظامی‌ها» خوششان نمی‌آید. اعلی حضرت مطلبی نفرمودند. فردای آن روز که به مجلس رفتم، دیدم وکلا دورم را گرفته‌اند و می‌گویند: «نظامی» عجب مرد شجاعی هستی! چه خوب گفتی و خلاصه به‌اصطلاح به قدری هندوانه زیر بغل من گذاردند که اصلاً سر از پا نمی‌شناختم و همه‌جا تعریف از من بود. عصر آن روز، به دربار احضار شدم و مشاهده کردم که تمام جریانات صبح مجلس را به حضور اعلی حضرت گزارش داده‌اند و اعلی حضرت نیز سخت به من خشمناک شدند. من عرض کردم که من جریان را به وکلا نگفتم بلکه وقتی به مجلس رفتم، دیدم همکارانی که دیروز با من شرفیاب بودند و شاهد جریان بودند، ماجرا را گفته‌اند. نتیجهٔ این شرفیابی و حادثه‌ای که برایم اتفاق افتاد، این شد که در تمام دوران وکالت، دیگر حواسم را کاملاً جمع کنم و مواظب «پوست خریزه» همکاران باشم و به عبارت دیگر، مواظب زبانم باشم.<sup>۱</sup>

### یدالله دهستانی و نمایندگی مجلس به روایت خودش

اما چگونه وکیل شدم و با چه کیفیتی از دورهٔ پنجم تا دورهٔ چهاردهم یعنی ده دورهٔ متوالی به مدت بیست سال توانستم نماینده در مجلس باشم؛ این ماجرا داستان بسیار جالب و شیرینی دارد؛ در انتخابات دورهٔ پنجم، آقای احمد آذری کاندیدای حوزهٔ ساوجبلاغ و شهریار بود و من هم از طرفداران او بودم و برایش فعالیت می‌کردم. روزی که برای تبلیغ اهالی، کدخدایان دهات را جمع کرده بودم، دیدم از گوشه و کنار، از میان جمعیت علیه من زمزمه برخاسته است و این زمزمه‌ها بلندتر شد و بلندتر شد تا اینکه فهمیدم حاضرین می‌گویند من از آقای آذری چهار هزار تومان گرفته‌ام که او را وکیل کنم و نمی‌خواهم از این مبلغ که در آن زمان پول زیادی بود، سهمی به آن‌ها یعنی کدخدایان بدهم. من از این تهمت سخت برآشفتم و برخاسته، قرآن مجید را از طاقچه برداشتم و گفتم به این قرآن قسم می‌خورم که پول نگرفته‌ام.

گفتهٔ من در آن‌ها سخت مؤثر افتاد. به اتفاق آراء تصمیم گرفتند به جای آذری، خود من را به سمت وکالت انتخاب کنند و با قسم قرآن عهد بستند که «زن طلاق» باشند اگر مرا وکیل نکنند ... . مؤتمن‌الملک رئیس مجلس بود و من خواستم از هر جهت، از سایر وکلا مشخص‌تر باشم و برای انجام این منظور، تصمیم گرفتم که با لباس کاملاً محلی وارد مجلس شوم؛ اما برای این مقصود، محتاج لباس محلی بودم ... پس از اینکه وسایل مهیا شد، آن‌ها را پوشیدم و با قیافهٔ جالبی به مجلس رفتم. به محض ورود به سرسرا، غوغایی به پا شد. خبر به گوش مؤتمن‌الملک رسید. مؤتمن‌الملک به محض مشاهدهٔ من، سخت برآشفت و گفت: این چه ریختی است که خودت را درآوردی؟ گفتم: قربان، لباس محلی است؛ مؤتمن‌الملک گفت: آخر این‌جا مجلس است و نباید مرتکب این اعمال شد. خلاصه به دستور مؤتمن‌الملک ناچار شدم لباسم را تعویض کنم ...<sup>۲</sup>

شایان ذکر است در انتخابات مجلس پنجم، علاوه بر کاندیداتوری احمد آذری، فرد دیگری نیز به نام «حاج افخم‌الدوله» خود را کاندید شهریار و ساوجبلاغ کرده بود که برای پیشبرد امور کاندیداتوری وی دو نفر فعالانه تلاش می‌نمودند؛ یکی آقا سیدعیسی‌خان کردامیری و دیگری آقا سیدمحمدکاظم، که دومی از طرف وزارت عدلیه مسئولیت امین صلح شهریار را عهده‌دار بود.

۱. روشنفکر، همان.

۲. همانجا.

هنگامی که در انتخابات دوره پنجم میرزا یدالله خان گوی سبقت را از دیگران ربوده و به مجلس راه یافت، آقا سیدعیسی خان که انتظار شکست کاندیدای مورد نظر خود را نداشت، با کدورت خاطر و با همدستی آقا سیدمحمدکاظم که امین صلح شهریار بود، پاره‌ای موانع شبه‌قانونی برای کسانی که با آنان همراه نشده بودند، برقرار کرد که منجر به نامه‌نگاری و اعتراض اهالی گردید. اسناد مربوط به شکایت اهالی از امین صلح شهریار در انتهای مقاله آمده است.

یدالله دهستانی ضمن خاطرات خود می‌گوید:

... خاطره دیگری که از زمان وکالت دارم، این است که روزی مرحوم داور که در آن موقع، وزیر عدلیه بود، در منزل قائم‌مقام‌الملک از جمعی دعوت کرد؛ من جمله مرحوم میرزا شهاب کرمانی (پدر دکتر بقایی) و حائری‌زاده [و] عده‌ای دیگر که من هم جزو مدعوین بودم. در آن جلسه، مرحوم داور به مدعوین رتبه می‌داد؛ به من که رسید، گفت: شما چه رتبه‌ای می‌خواهید؟ جواب دادم: من مایل به شغل دولتی نیستم. به جای رتبه‌ای که به من می‌خواهی بدهی، تقاضا دارم «امین صلح شهریار» را که تحت نفوذ متنفذین است و مردم را اذیت می‌کند، به مرکز احضار و دیگری را جای او بفرستید و من به همین تقاضا در مقابل رتبه دولتی حاضر هستم.<sup>۱</sup>

### یدالله دهستانی و نمایندگی وی در مجلس پنجم

با مطالعه مشروح مذاکرات مجلس پنجم درمی‌یابیم، در مقابل میرزا قاسم خان صوراسرافیل و محمدصادق طباطبایی نمایندگان دوره‌های سوم و چهارم که عنوان نماینده شهریار و ساوجبلاغ را یدک می‌کشیدند ولی هیچ اقدامی برای بهبود وضع آن ناحیه ننمودند، نماینده دوره پنجم شهریار و ساوجبلاغ که آن زمان وی را میرزا یدالله خان و میرزا یدالله خان نظامی می‌نامیدند، در حد توان و مقدرات خود، مسائل و مشکلات این ناحیه را در معرض توجه قانون‌گذاران قرار داد.

در آن زمان، بیماری مالاریا، نوبه و بیماری‌های دیگر به قدری در شهریار شیوع داشت<sup>۲</sup> که یکی از نمایندگان دوره پنجم موسوم به امیراعلم که علاوه بر نمایندگی مجلس، ریاست بهداری ارتش را نیز عهده‌دار بود، در اشاره به بیماری‌ها و مرگ و میر ناشی از آن، در مجلس گفته بود:

در اغلب دهات مثل شهریار، در سایه لاقیدی در امور صحتی، یک نفر که پنجاه سال داشته باشد، نمی‌شود پیدا کرد.<sup>۳</sup>

و باز در جای دیگر در اشاره به این بیماری‌ها و اثرات مرگ و میر آن، اظهار داشته بود:

۱. همانجا.

۲. از اواخر عهد قاجار و در عهد رضاشاه و مشخصاً در فاصله سال‌های ۱۳۰۹-۱۳۰۴ ه.ش. برخی بیماری‌ها در ناحیه شهریار، شیوع داشت که از آن جمله می‌توان به بیماری مالاریا و نوبه اشاره نمود.

«در بعضی نقاط اطراف شهر و بلوکات مانند شمیرانات و ورامین و ساوجبلاغ و شهریار، کانون‌های لارو متعددی وجود دارد، به طوری که بومی‌های آن نقاط غالباً مبتلا و اشخاصی هم که از تهران بدان‌جا مسافرت می‌کنند، بیشتر، در موقع مراجعت، مرض نوبه را همراه خود می‌آورند». (تکمیل همایون، ناصر، تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران، ج ۲ (تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸)؛ ص ۱۰۱).

۳. مشروح مذاکرات مجلس، دوره پنجم، جلسه ۱۲.



بعضی نقاط مثل شهریار و ساوجبلاغ و جاهای دیگر هست که در آنجاها هر بیست سال یک‌مرتبه، اهالی عوض می‌شوند!<sup>۱</sup>

میرزا یدالله‌خان در نخستین دوره نمایندگی خود، در حد توان، به بیان بیماری‌ها و مشکلات ناشی از آن که شهریار و ساوجبلاغ را فراگرفته بود، پرداخت؛ از جمله براساس مشروح مذاکرات مجلس: طرح قانونی از طرف آقای یدالله‌خان پیشنهاد شده است. قرائت شده؛ بعد به کمیسیون مبتکرات، ارجاع شود. به شرح ذیل قرائت شد:

مقام منبع ریاست مجلس مقدس شورای ملی - دامت عظمته - بدیهی است که سیاه‌آب و مرداب در هر مملکتی ثروت مسلمی است که می‌توان از آن فایده کثیری برد و کمک بزرگی به ارزاق عمومی نمود؛ خصوصاً مثل شهریار که نزدیک مرکز و پایتخت مملکت باشد، دارای اهمیت فوق‌العاده خواهد بود ولی متأسفانه این منبع ثروت، صرف‌نظر از اینکه مورد استفاده نشده، بالعکس باعث خسارت و تهیة مرض مبرم مالاریا برای اهالی بدبخت آن بلوک گردیده است و یک منظره خطرناک و قتلگاہ عمومی در غرب پایتخت مملکت سال‌هاست تشکیل داده و نشان می‌دهد که در صد و نود و پنج از اهالی، دچار تب نوبه؛ و اغلب تلف می‌شوند. به‌علاوه هوای آن بلوک را به‌طوری کثیف دارد که در موقع وزیدن باد از سمت شهریار، اهالی طهران را هم مبتلا و اذیت می‌نماید. نظر به آنکه دولت می‌تواند با چهل الی پنجاه هزار تومان خرج، باتلاق‌ها را خشکانیده و سیاه‌آب‌ها را جمع و به جریان انداخته و حداقل یکصد و پنجاه سنگ آب که قیمت آن بیش از چهل و پنج هزار تومان خواهد بود، تهیه و مقدار کثیری از اراضی خالصات شهریار و بلوک حاصلخیز فشافویه که قسمتی از آن به‌واسطه کمی آب، لم‌بزرع و مسلوب‌المنفعه مانده، کشت نماید و سالیانه ایجاد ثروتی برای مملکت و تأمین در ارزاق عمومی نماید و نیز مقداری اراضی باتلاقی هم خشک و قابل زرع گردد و نظر به آنکه اهالی را از چنگال مرگ نجات و از فشار مرض مالاریا مستخلص بدارد، این است که توجّه نمایندگان محترم ملت را به مراتب معروضه فوق، جلب و قبول یکی از دو موارد ذیل را استدعا و پیشنهاد می‌نماید. دولت به فوریت، مخارج خشکانیدن باتلاق‌ها و [به] جریان انداختن آب‌های راکد و جمع‌آوری سیاه‌آب‌ها را اعم از خالصه و اربابی در عهده گرفته؛ اهالی را از ذلت خارج، که از آب و اراضی خود استفاده نماید.

در صورتی که این مسئله را قابل توجّه و استفاده ندادند، ضرر و مانعی نخواهد داشت که با اجازه دولت، اهالی به خرج خود، آب‌های فوق‌الذکر را جمع و به جریان انداخته؛ متصرف شوند؛ مشروط به اینکه، به مقدار آبی که حاصل می‌شود، اراضی بلوک شهریار و فشافویه که قابل زرع و از بی‌آبی لم‌بزرع مانده، به علاوه اراضی باتلاق‌های خشک‌شده را به اهالی واگذار کند.<sup>۲</sup>

و باز هم درباره سیاه‌آب‌های شهریار:

راپورت کمیسیون مبتکرات قرائت می‌شود. به شرح آتی قرائت شد: کمیسیون مبتکرات طرح راجع به سیاه‌آب‌های شهریار پیشنهادی آقای میرزا یدالله‌خان را قابل توجّه می‌دانند. مخبر کمیسیون اخگر. رئیس: عین طرح پیشنهادی هم قرائت می‌شود؛ بعد مذاکره می‌کنیم. به مضمون ذیل خوانده شد:

ماده ۱: دولت به فوریت مخارج خشکانیدن باتلاق‌ها و جریان انداختن آب‌های راکد و جمع‌آوری سیاه‌آب‌ها اعم از خالصه و اربابی را در عهده گرفته؛ اهالی را از ذلت، خارج؛ تا از آب اراضی خود استفاده نماید.

۱. همان، جلسه ۳۳.

۲. همان، جلسه ۳۰.

ماده ۲: در صورتی که دولت، این مسئله را قابل توجه و استفاده نداد، ضرر و مانعی نخواهد داشت که با اجازه دولت، اهالی به خرج خود، آبهای فوق‌الذکر را جمع و به جریان انداخته؛ متصرف شوند؛ مشروط بر اینکه به مقدار آبی که حاصل می‌شود، از اراضی بلوک شهریار و فشافویه که قابل ذرع و از بی‌آبی لم‌بزرع مانده، به‌علاوه اراضی باتلاق‌های خشک‌شده را به اهالی واگذار کند و یک‌عشر از کل عایدات متصرفین را بعد از وضع خرج، به عنوان مالیات دریافت دارد ...

رئیس: رأی می‌گیریم به قابل بودنش؛ آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می‌دانند، قیام فرمایند؛ اکثر قیام نمودند. رئیس: قابل توجه شد.<sup>۱</sup>

ماه‌ها بعد وقتی که کاری از پیش نمی‌رود، میرزا یدالله‌خان مجدداً دنباله کار را می‌گیرد:

[آقامیرزا یدالله‌خان:] خاطر محترم آقایان نمایندگان مستحضر است که بنده در هشت ماه قبل، پیشنهادی راجع به خشکانیدن سیاه‌آب‌های شهریار تقدیم کردم. گمان می‌کنم در هر دوره، مسئله مالاریا در مجلس مطرح است. پیشنهادی که بنده تقدیم کردم، به کمیسیون فوائد عامه مراجعه شد و از کمیسیون فوائد عامه به وزارت فوائد عامه ارجاع شد و در آن‌جا هم خود بنده تعقیب کردم و رأی کافی داده شد. بنده خواستم از نمایندگان محترم استدعا کنم که راجع به این موضوع، یک توجه مخصوصی فرمایند و از مخبر کمیسیون فوائد عامه توضیح بخواهم که علت اینکه هشت ماه است پیشنهاد بنده که راجع به مالاریای شهریار است و اغلب آقایان هم توجه دارند به مجلس نیامده، چه بوده و برای چه این اندازه به تأخیر انداخته‌اند؟<sup>۲</sup>

طرح مسئله مالاریا و مشکلات ناحیه شهریار در حد خود تأثیر لازم را در نمایندگان دوره پنجم می‌گذارد. به‌گونه‌ای که یکی از نمایندگان موسوم به «مقوم‌الملک» پیشنهاد می‌دهد برای برطرف کردن مالاریا مبلغ سی‌هزار تومان از حقوق محمدعلی‌شاه را به این کار اختصاص دهند.<sup>۳</sup>

### یدالله دهستانی و نمایندگی وی در مجلس ششم

فعالیت مستمر یدالله دهستانی برای خشکانیدن مرداب‌های شهریار که در دوره پنجم فعالانه پیگیری می‌شد، چون به نتیجه کامل نرسید، در مجلس ششم باز مورد پیگیری قرار گرفت؛ به‌گونه‌ای که یکی از نمایندگان مجلس یعنی «ارباب کیخسرو» در یکی از جلسات مجلس اظهار کرد:

امیدوارم که صبحیه، از این پشت دروازه تهران و شهریار شروع شود و تمام جاها را بگیرد؛ برای اینکه آقا میرزا یدالله‌خان مکرر داد و فریاد کرده‌اند.<sup>۴</sup>

اما یدالله دهستانی برای اختصاص بودجه بیشتر برای مبارزه با مالاریا و به‌خصوص خشکاندن مناطق مردابی دست از تلاش برداشت.<sup>۵</sup> پافشاری‌های یدالله دهستانی به آن‌جا انجامید که در دوره ششم، چنین تصویب گردید:

۱. همان، جلسه ۵۶.
۲. همان، جلسه ۱۳۹.
۳. همان، جلسه ۹۵.
۴. مشروح مذاکرات مجلس، دوره ششم، جلسه ۱۳.
۵. همان، جلسه ۱۴۰.

تصمیم راجع به خشکانیدن باتلاق‌های شهریار و خوار، مصوب ۲۴ بهمن ماه ۱۳۰۶ شمسی: ماده واحد: دولت، مکلف است مخارج خشکانیدن باتلاق‌های شهریار و خوار را برآورد و پیش‌بینی نموده و در ضمن بودجه ۱۳۰۷ به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید. تصمیم فوق در جلسه بیست و چهارم بهمن ماه یک‌هزار و سیصد و شش شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید. رئیس مجلس شورای ملی - حسین پیرنیا.<sup>۱</sup>

دهستانی در دوره ششم، علاوه بر مسئله سابق‌الذکر، به نبود مدارس در روستاهای اطراف طهران نیز پرداخت و در یکی از جلسات مجلس عنوان نمود:

برای مدرسه پیش‌آهنگی، هزار تومان معین می‌کنند؛ برای اکابر که نمی‌دانم برای چه روزی است و در سر پیری چگونه انسان می‌تواند تحصیل کند، مدرسه درست می‌کنند؛ اما اطراف طهران دارای مدرسه نیست!<sup>۲</sup> در همان جلسه، نماینده دیگری موسوم به «آقا سید یعقوب» می‌گوید:

بروید ساوجبلاغ و شهریار؛ اتومبیل دوساعته می‌بردتان. در تمام ساوجبلاغ و شهریار یک مدرسه است و این مدرسه، ماهی هشت تومان حقوق معلمش است.<sup>۳</sup>

### یدالله دهستانی و نمایندگی وی در دوره‌های هفتم تا چهاردهم

اگرچه یدالله دهستانی در دو دوره پنجم و ششم حق نمایندگی اهالی شهریار و ساوجبلاغ را به خوبی ادا نمود ولی از دوره هفتم به بعد، در خصوص محل نمایندگی خود کمتر اظهار نظر کرد و بیشترین اهتمام خود را به جرح و تعدیل، و تنظیم و تدوین قوانین مطروحه در مجلس اختصاص داد.

یدالله دهستانی در مجالس مختلف، آن قدر از مشکلات شهریار حرف زده بود که هنگام ایراد سخن، تنها سوژه‌ای که نمایندگان برای به سخره گرفتن او پیدا کرده بودند، شهریار بود. بعدها برخی برای دست‌انداختن او متوسل به لطیفه نیز شده‌اند.<sup>۴</sup> مثلاً در مجلس سیزدهم، هنگامی که لایحه تعلیمات عمومی بررسی می‌شد، یدالله دهستانی نیز نظرات خود را بیان کرد ولی برخورد نمایندگان در خلال صحبت وی چنین بود: «از شهریار صحبت کنید»؛ «شما از شهریار صحبت کنید».

۱. همان، جلسه ۲۱۰.

۲. همان، جلسه ۴۳.

۳. همان، جلسه ۴۳.

۴. از جمله لطایفی که برای او و نصرت‌الممالک ساخته‌اند، این است که: «دو نفر وکیل مالک و کشاورز، یکی نصرت‌الممالک و دیگری یدالله دهستانی از رفسنجان و کرج در صف آخر مجلس زیر جایگاه تماشاچیان می‌نشستند و از زمین و باغ و قنات و طرق آبیاری و غیره صحبت می‌کردند و پس از ختم جلسه، گاهی ناهار به منزل هم می‌رفتند. راوی روایت می‌کرد یک روز که منزل نصرت‌الممالک بوده و آقای دهستانی هم تشریف داشتند و هر دو از مجلس آمده بودند، بعد از صرف ناهار و خواب بعد از آن، دهستانی از نصرت‌الممالک پرسید، ما طبق معمول امروز همه حرف‌های خودمان را می‌زدیم و اصلاً نفهمیدیم در مجلس صحبت چه بود؟ نصرت‌الممالک که او هم نمی‌دانست، ماشاءالله نوکرش [را] صدا زد گفت: برو سرکوجه یک روزنامه اطلاعات بخر و بیاور که ببینیم امروز در مجلس چه خبر بوده؟» (آگاه، علی، «عوارض جنگ جهانی دوم در کرمان»، بخارا، ش: ۴۲، خرداد - تیر ۱۳۸۴؛ صص ۲۳۶-۲۳۷). توضیح: رفسنجان در فاصله دوره‌های ۵ تا ۱۴ نماینده‌ای به نام نصرت‌الممالک نداشته است؛ به عبارتی، رفسنجان در دوره‌های ۵ تا ۱۴ سه نماینده به خود دیده که عبارت بودند از: میرزا شهاب‌الدین رفسنجانی (نماینده دوره ۵)؛ میرزا حسن خان اسفندیاری مرآت‌السلطنه (نماینده دوره ۶)؛ میرزا محمدعلی خان امیرابراهیمی (نماینده دوره‌های ۱۴-۷).

دهستانی در جلسه ۱۶۳ از مجلس سیزدهم، در اشاره به کم‌توجهی اولیای امور به مدارس روستایی، چنین اظهار داشت:

**[دهستانی:]** چون این قانون، فوق‌العاده اصطکاک به طبقه زارع و دهقانان دارد، این است که من به عنوان مخالف، مطالبی را که لازم می‌دانم، به آقای وزیر فرهنگ عرض می‌کنم. از تهران که بگذریم، در سایر شهرستان‌ها به‌خصوص دهستان‌ها تاکنون توجه کاملی از طرف وزارت فرهنگ نشده است؛ برای نمونه، چند دهستان نزدیک به مرکز و چند دهستان دوردست را عرض کنم. ساوه، شهری است دارای پنج شش بلوک؛ در این شهر و دهستان‌های آن‌جا پنج دبستان هست ... [ثقة الاسلامی: از شهریار صحبت کنید. خنده نمایندگان]. تفرش یک محل معظمی است، نه تنها دبیرستان ندارد بلکه دبستان هم به قدر کافی ندارد. رودبار اراک، آقای وزیر فرهنگ، بلوکی است که نه تنها دبستان ندارد تا حالا یک پزشک هم به آن‌جا پا نگذاشته است. چالوق یک بلوکی است. [همه‌مهمه نمایندگان: شما از شهریار صحبت کنید]. فرق نمی‌کند؛ تمام کشور، پیش بنده یکی است؛ آنچه را که بنده می‌دانم، عرض می‌کنم. [انوار: آقا در ماده حرف بزنید]. التفات بفرمایید؛ آقا بنده نمی‌خواهم تفریح کنم؛ بنده که نمی‌خواهم تظاهر کنم؛ بنده درد بی‌درمان مردم را به عرض دولت و مجلس می‌رسانم. چالوق هم دبستان ندارد. آقایان فرمودند از ساوجبلاغ و شهریار صحبت کن. علی‌شاه عوض و کرشته یک قصبه معظمی است که دارای ده هزار جمعیت است [خنده نمایندگان]. از وزارت فرهنگ تقاضا می‌کنند که دبستان آن‌ها تبدیل به دبیرستان بشود و اظهار لطف و توجهی نمی‌شود؛ همین‌طور در رباط کریم و قسمت‌های دیگر شهریار و ساوجبلاغ. اشتها رد یک محل معظمی است. دارای دبستان نیست. [وزیر فرهنگ: ان‌شاءالله درست می‌شود] بنده می‌خواستم توجه آقای وزیر فرهنگ را جلب کنم به این نقاطی که اولیای اطفال آن‌جا اشخاصی هستند که از دسترنج آن‌ها چرخ‌های این کشور گردش می‌کند؛ به این‌ها توجه بیشتری بکنند.<sup>۱</sup>

همان‌طور که گفته شد، دهستانی در ادوار هفتم تا چهاردهم کمتر به مسائل محل نمایندگی خود پرداخته که می‌توان آن را ناشی از دستورالعملی که احتمالاً به وی دیکته شده بود، دانست.

اطلاع دقیقی از املاک و دارایی‌های دهستانی در دست نیست اما همین اندازه معلوم است که وی مالک روستای صوفی‌آباد بوده است؛ خود وی در این باره می‌گوید:

حقوق نمایندگی در دوره‌های اول، ماهی صد تومان بود؛ بعد رفته‌رفته زیاد شد. بنابراین، در ده دوره نمایندگی جمعاً ۸۰ هزار تومان پول گرفتم ولی از این راه، ثروتی برایم اندوخته نشد؛ بلکه بیش از این مقدار، خرج ایاب و ذهاب موکلینم کردم. ثروت من از راه کشاورزی به دست آمده ... از دستمزد ۱۸ ساله خودم در رعیتی توانستم یک ده شش دانگی بخرم ... توانستم «صوفی‌آباد» [را] که بهترین دهات شهریار است، به ششصد هزار تومان بخرم.<sup>۲</sup>

یدالله دهستانی در سال ۱۳۳۴ دارای ۴۶ فرزند و نوه بوده است.<sup>۴</sup> یکی از فرزندانش موسوم به عبدالعلی دهستانی در دوره نوزدهم و بیستم مجلس شورای ملی به نمایندگی از شهریار و ساوجبلاغ به مجلس راه یافت. یدالله دهستانی در سال ۱۳۳۶ درگذشت و این در حالی بود که وی در آن زمان، نمایندگی مردم

۱. مشروح مذاکرات مجلس، دوره سیزدهم، جلسه ۱۶۳.

۲. صوفی‌آباد شهریار که دهستانی از آن یاد می‌کند، اکنون بخشی از شاهین ویلای کرج است.

۳. روشنفکر، همان.

۴. همانجا.

قزوین در دومین دوره مجلس سنا را برعهده داشت. دومین دوره مجلس سنا در ۲۷ اسفند ۱۳۳۲ افتتاح و در ۲۵ اسفند ۱۳۳۸ پایان یافت.

از یدالله دهستانی یک مقاله کوتاه با عنوان «کشاورزی» در سالنامه آریان به چاپ رسیده<sup>۱</sup> و از آثار خیریه وی نیز «بیمارستان رجایی»<sup>۲</sup> کرج است.

### [اسناد]

#### [سند ۱]

انامه یدالله دهستانی در سال ۱۳۰۳ شمسی در تأیید کدخدا غلامرضا، مستأجر روستای شهنام<sup>۳</sup>

اداره محترم کل مالیات و خالصجات

کدخدا غلامرضا شرح صفحه مقابل را مینویسد:

اولاً: برای اعمال غرض، سایرین شهنام را اجاره کرده‌اند؛ در صورتیکه عمده گاوپردی آن قریه، متعلق بخود کدخداست و از قرار معلوم، یکصد و هشتاد تومان به سایرین اجاره داده شده است. ضرری ندارد؛ به دوپست تومان مشارالیه قبول مینماید ... در این صورت، مقدم مشارالیه است.

ثانیاً: [...] کاه، حاضر است. ده تومان موجود است. مرحمت کرده که امر فرمایند کاه بدهی را تحویل گرفته، حمل کنند. در این خصوص هم صرفه دولت بهره‌چرا باشد، مقرر فرمایند که مشارالیه هم [...] گردد. [امضا: یدالله نظامی]<sup>۴</sup>

[شکایت اهالی شهریار از آقا سید محمدکاظم خان امین صلح شهریار<sup>۵</sup>]

#### [سند ۲]

[نشان تاج و شمشیر و شیر و خورشید]

مجلس شورای ملی

تاریخ ارسال: ۹ جوزا [خرداد] ۱۳۰۳

وزارت جلیله عدلیه

عرضحالی به امضا و امهار جمعی از اهالی بلوک (شهریار) در شکایت از عملیات آقا سیدمحمدکاظم امین صلح آنجا، توسط آقای میرزا یدالله خان، نماینده محترم رسیده و مجمع فلاحی بلوک مزبور نیز در تأیید اظهارات اهالی، شرحی ضمیمه نموده‌اند. اینک سواد عرضحال و ضامم آن لفاً ارسال میشود. تا مراتب را مستحضر و در تحقیق از کمیت امر و رفع تظلم و حصول آسایش اهالی، اقدامات لازمه بعمل آید و نتیجه را اطلاع دهند ...

۱. دهستانی، یدالله، «کشاورزی»، آریان، سال ۱۳۲۱؛ صص ۱۵۷-۱۵۳.

۲. بیمارستان شهید رجایی کرج با زمین و بنای اهدائی یدالله دهستانی و با مالکیت دولتی، از سال ۱۳۴۵ در حصارک کرج به صورت درمانگاه شروع به فعالیت نمود. این درمانگاه پس از انقلاب اسلامی، گسترش یافته و به صورت بیمارستان درآمد و اکنون بیمارستانی با حدود ۲۰۰ تختخواب است.

۳. روستای شهنام در مجاورت ملارد بوده و پس از انقلاب اسلامی، نام آن به «خوشنام» تغییر یافته است. این مکان اکنون در بافت شهر ملارد قرار دارد.

۴. سازمان اسناد ملی، (شماره بازیابی: ۱۴۸-۲۳۰).

۵. مرکز اسناد مجلس، (شماره بازیابی: ۵/۸۹/۴/۱/۱۲).

## [سند ۳]

## مقام مقدس مجلس شورای ملی - شیداله ارکانه

آقا سیدمحمدکاظم امین صلح شهریار، در چندی قبل بمرافقت و معیت آقا سیدعیسی خان کردامیری که در عمل انتخابات مداخله داشتند که آقای حاج افخم الدوله را از طرف بلوک انتخاب نمایند؛ اهالی بلوک به آقا سیدعیسی خان هم عقیده نشدند. بواسطه عدم موفقیت مشارالیه یک نوع رقابت و کدورتی ایجاد و تولید گردیده که هر روز مشارالیه بوسیله آقای امین صلح، اغراض شخصی خود را نسبت باشخاصی که با خیالات ایشان همراه نشدند، ابراز داشته، و باسم قانون صدماتی وارد می‌انمایند. خلاصه آنکه طرفداران ایشان باید عزیز و سایرین ذلیل باشند.

آقای امین محترم، آلت دست آقا سیدعیسی خان شده است. آقای امین محترم از عید تاکنون ده روز بشهریار آمده و هشت شبانه روز در کردامیر در خانه آقا سیدعیسی خان بوده و سایر اعضاء محکمه در مقرر مأموریت خودشان بدون امین محترم سرگردانند.

از قرار مسموع، بتوسط آقا سیدعیسی خان در ابقای خود و رضایت اهالی بلوک از آقای امین محترم و همچنین در تغییر محل محکمه، شرحی بوزارت جلیله عدلیه معروض داشته که بالاخره محل محکمه را از قصبه علیشاه عوض که از هر جهت مرکزیت دارد، تغییر داده و کاملاً خیالات خود را اجراء و بمقاصد خود ادامه دهند (این است وضع عدالتخانه شهریار). در خاتمه آن که با مراتب معروضه، اهالی بلوک اطمینانی بایشان نداشته که مراجعه نمایند و بدین جهت، امور حقوقی این مردم بیچاره، مختل و معوق است. علیهذا عاجزانه از آن ساحت مقدس استدعا مینماییم که مقرر فرمایند از طرف وزارت جلیله عدلیه، بر طبق مقررات قانون و پرگرام اداری، پست آقای امین محترم را تغییر داده و شخص بی طرف و بی غرض و عالمی را برای امانت صلح معین فرمایند که حقوق حقه یکمشت رعایای بیچاره، پایمال هوا و هوس نگردیده؛ دادخواهی به عمل آید.

امهار نمایندگان علیشاه عوض من محال شهریار [۱۹ مهر]

نمایندگان قریه باباسلمان [۸ مهر]

نمایندگان قریه بالابان [۱۶ مهر]

ریش سفیدان اسکمان [۱۶ مهر و یک امضا]

امهار قریه ده مویز [۹ مهر]

رعایای ده شاه و الورد [۱۲ مهر و یک امضا]

سربندهای رعایای قریه حصارک و قوشچی [۴ مهر]

ریش سفیدان ملارد [۵ مهر و یک امضا]

ریش سفیدان فرخ آباد [۶ مهر]

رعایای قلعه فرامرز [۳ مهر و ۲ امضا]

رعایای قریه فردوس [۱۴ مهر و دو امضا]

امهار آقایان قریه رامین [۱۱ مهر]

قریه علی آباد درازه محمودآباد [۸ مهر]

امهار رعایای قریه شهواری [۱۶ مهر و یک امضا]

[حاشیه سمت راست:] «بوزارت عدلیه نوشته شود به [...] قدغن نمایید. برخلاف قانون رفتار نمایند. جوزا ۱۳۰۲ [امضا: ناخوانا].

[سند ۴]

مجمع فلاحتی شهریار

نمره ۹۱؛ بتاريخ ۱۶ شهر شوال ۱۳۴۲؛ مطابق ۱ برج جوزا [خرداد] ۱۳۰۳.

ساحت مقدس مجلس شورای ملی - شیداله ارکانه

اگرچه مجمع فلاحت تاکنون غیر از امور فلاحت و اتحاد و اتفاق اهالی بلوک [ا] در امور خیریه، هیچ‌وقت خود را دخیل در اموری نمی‌نماید؛ فعلاً چون اهالی بلوک عریضه بآن مقام منیع عرض کرده؛ مجمع فلاحت نیز عرایض اهالی را تصدیق نموده؛ این است لفاً تقدیم آن ساحت مقدس - شیدالله ارکانه - می‌نماید که بعرایض حقه حضرات، رسیدگی فرموده؛ احقاق حق نمایند که حقوق یک مشت رعیت فقیر، پایمال هوا و هوس نشود. [مهر:] مجمع فلاحتی شهریار

[یادداشت کوتاهی از یدالله دهستانی:]

در تاریخ ۵ جوزا، بضمیمه، عرض حال اهالی تقدیم مجلس مقدس شورا گردیده است. یدالله نظامی.

[سند ۵]

[نشان تاج و شمشیر و شیر و خورشید]

مجلس شورای ملی

تاریخ ارسال: ۳ سرطان [تیر] ۱۳۰۳، ... مراسله بتوسط... میرزا یدالله‌خان [...] ارسال شده.

اهالی بلوک شهریار

مشروحه شما در شکایت از اقدامات امین صلحیه بوسیله آقای میرزا یدالله‌خان، نماینده محترم، واصل و مراتب بوزارت عدلیه مراجعه شد. اینک جوابی رسیده است که سواد آن برای حصول اطلاع شما جوفاً ارسال می‌شود. ملاحظه شد.

[سند ۶]

[نشان تاج و شمشیر و شیر و خورشید]

وزارت عدلیه

دایره پرسنلی؛ بتاريخ ۲۸ برج جوزا [خرداد] سنه ۱۳۰۳؛ نمره ۸۸۶۸.

مقام محترم مجلس شورای ملی - شیداله ارکانه

در جواب مرقومه نمره ۱۲۹۰۴ متضمن سواد عرضحال اهالی شهریار زحمت می‌دهد؛ نظر به مقتضیات اداری، محل تشکیل محکمه صلحیه از شهریار بکرج منتقل شده است و برای شهریار هم یک صلحیه ناحیه پیش‌بینی شده است که پس از تصویب بودجه تشکیل میشود. شاکی نامه در شکایت‌نامه خود، موارد معینی را ذکر نکرده و سواد شکایت خود را هم تصریح نکرده‌اند تا قابل بررسی باشد. [امضا:] مظفرالسلطنه، [مهر بیضوی:] عدلیه اعظم.

[شکایت اهالی علیشاه عوض از امین مالیه شهریار و ساوجبلاغ<sup>۱</sup>]

[سند ۷]

[نشان تاج و شمشیر و شیر و خورشید]

مجلس شورای ملی

دایره: دارالانشاء

شماره ثبت کل: ۲۰۸۹۸؛ تاریخ ثبت: ۲۹ مرداد ۱۳۰۷؛

نویسنده: دبیر جمالی؛ تاریخ تحریر: ۲۷ مرداد ۱۳۰۷؛ پاکنویس کننده: عبدالله سلامی؛ تاریخ پاکنویس: ۱۳۰۷/۵/۲۸؛ ...

تاریخ ارسال: ۱۳۰۷/۵/۲۹؛ ۱ سواد، ضمیمه است.

ریاست محترم کابینه وزارت جلیله مالیه

بعد از اختتام دوره ششم تقنینیه، عرضحالی بمهر و امضای عدۀ از رعایای قصبۀ علیشاه عوض شهریار، در شکایت از امین مالیه ساوجبلاغ راجع بطرز مطالبه مالیات رسیده که سواد آن را برای اطلاع آنوزارتخانه تلوأ ارسال و بدیهی است عارضین [...] اقدام آنوزارتخانه مطلع خواهند نمود.

معاون اداری ریاست مجلس شورای ملی [امضا]

رعایا و اهالی قصبه علی شاه عوض شهریار

شرحی که از امین مالیه ساوجبلاغ راجع بطرز مطالبه مالیات شکایت کرده بودند، پس از ختم دوره ششم تقنینیه، واصل، و مراتب بوزارت مالیه تذکر داده شد. ممکن است برای اخذ نتیجه، بآن وزارتخانه مراجعه

نمایید. معاون اداری ریاست مجلس شورای ملی [امضا]

[حاشیۀ سمت راست]: توسط آقای دهستانی.

[سند ۸<sup>۲</sup>]توسط آقای دهستانی نماینده محترم مجلس شورای ملی<sup>۳</sup>

مجلس مقدس شورای ملی - شیدالله ارکانه

با کمال احترام عرض می‌نمائیم، در سنه ماضیه قصبه علی شاه عوض شهریار، مطابق قانون، ممیزی شده و صدی سه و نیم مالیات دولت را از بابت شرب آب رودخانه و زمین، تشخیص داده شده که خورده<sup>۴</sup> مالکین بپردازند؛ بهمین ترتیب، ورقه اظهارنامه از اهالی گرفته شده. در هذلسنه از یکطرف، امین مالیه ساوجبلاغ فشار آورده؛ پول حقا به مطالبه دارد؛ از یکطرف، امین مالیه شهریار مطالبه صدی سه و نیم مالیات ممیزی شده را مطالبه دارد. باداره مالیه ایالتی طهران شکایت میکنیم چرا دو مالیات از ما مطالبه مینمایند؟ جواب میدهند: در قانون ممیزی، راجع بالغای مالیات آب، چیزی تصریح نشده. پس تکلیف ما یک مشت رعیت

۱. مرکز اسناد مجلس، (شماره بازیابی): ۶/۱۲/۲/۱۸۲.

۲. متن شکوائیه اهالی علیشاه عوض از امین مالیه شهریار و ساوجبلاغ که توسط یدالله دهستانی به کمیسیون عرایض مجلس ارائه شده است. متن شکوائیه، تایپ شده است و در بالای آن، به خطی که شبیه خط دهستانی است، نوشته شده: «کمیسیون محترم عرایض، ۱۳۰۷/۵/۱۸» و در سمت چپ قسمت بالای شکوائیه، به خطی که باز هم شبیه خط دهستانی است، نوشته شده: «۱۸ مرداد ۱۳۰۷ تقدیم شد. یدالله دهستانی» و زیر آن با خطی دیگر نوشته شده: «به علت تعطیلی دوره شش تقنینیه و عدم تشکیل کمیسیون عرایض، عیناً به اداره مسترد گردید. ۱۳۰۷/۵/۲۲»

۳. زیر عنوان فوق، با خط غیرتایپ، تاریخ نگارش شکوائیه آمده که ۳۱ تیر ۱۳۰۷ است.

۴. خرده.



فقیر چیست؛ ملک بدون آب، زراعت نخواهد شد. قانون ممیزی راجع بآب و زمین است. استدعا داریم بداد یکمشت فقر رعیت زحمت‌کش بیچاره برسید و تکلیف ماها را معلوم نمائید. با آفتهای چندساله اخیر از قبیل زنگ، کم‌آبی، سرمازدگی بسردرختیها، بکلی این یک مشت رعیت بی‌پا و از میان رفته‌ایم و قوه پرداخت دو مالیات نداریم. بوزارت‌تجلیله مالیه امر فرمایند مطابق قانون ممیزی با ما اهالی رفتار نمایند. عموم اهالی قصبه علیشاه عوض شهریار.  
[۴ امضا و ۵۹ مهر].



دوره پنجم سیرت و اخلاص  
 که خداوند در این شرح صحیحی را فرموده اولاد برای  
 سیرت بنام راه که در هر کجای که باشد با این سیرت  
 خود را فرزند است و در هر کجای که باشد با این سیرت  
 می‌رسد تا آن روز که در هر کجای که باشد با این سیرت  
 تا آن گاه که در هر کجای که باشد با این سیرت  
 هر روزی که در هر کجای که باشد با این سیرت  
 هر روزی که در هر کجای که باشد با این سیرت  
 هر روزی که در هر کجای که باشد با این سیرت

پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۱

۱۳۹۲	 مجلس شورای ملی	نمبر کتاب ثبت ۲۶۰۴
اسم نویسنده و تاریخ: عبدالله دهستانی		کارکن ۱۳
اسم پاك اویس کننده و تاریخ: عبدالله دهستانی		نمبره های قبل: عدد ضمیمه ۲
تاریخ امضای پاك نویس	اداره: دایره	

تاریخ ارسال ۹ اردیبهشت ۱۳۹۲

۱۳۹۲/۱

قیود مهمه: لف چه مرسله بتوسط که  
 عنوان کاغذ: مقصد و عنوان پاك

وزارت بلیه حبله  
 منتهای ایضا را چهارمین شماره در کتابت ارجحیت است که در کتابت اولی در کتابت  
 نماند هم برین و جمع مدعوم که در زیر بار است که در کتابت اولی در کتابت اولی  
 که در کتابت اولی در کتابت اولی در کتابت اولی در کتابت اولی در کتابت اولی  
 محمد اکبر گلشنی



سند شماره ۲



مجمع فلاحتی شهریار

بتاریخ ۱۶ شهر ترمذ ۱۳۴۳

مطابق ۱ رجب حور ۱۳۰۳

نمره ۹۱  
ضمیمه

۴/۵/۱۳۴۳

رحمت معجزه کسب شود از ما شکر الیه اگر کارنامه

اگر چه مجمع فلاحتی تاکنون غیر از امور فلاحتی در کار و دعوت اهل آبادی بود

بجز به این وقت خود را در امور دینی و فلاحی اهل آبادی بکار نبرد

با مقام سنی عرض کنم مجمع فلاحتی نیز عرض اهل آبادی را تصدیق نمود

بزیارت نفاذ نمود آن رحمت معجزه شده الهی را که ما نیز میزبان آن بودیم

حضرت رسیده فرهم جفاقی می فرمایند که چون گشت



عزیزت فخرت با خیال بودا دوست شود

در تاریخ ۵ رجب حور الهی در سال ۱۳۰۳

مجمع فلاحتی شهریار

اسم نویسنده و تاریخ نگارش	 مجلس شورای ملی اداره دائرہ تاریخ ارسال ۱۳۰۲	نمبر کتاب ثبت
اسم بانک لويس كنده و تاريخ حرايت		كاركن
تاريخ امضای پاك نویس		نمبر های قبل

قیود مهمه : \_\_\_\_\_  
 عنوان کاغذ : \_\_\_\_\_  
 مقصد و عنوان پات : \_\_\_\_\_

۱۳۰۲

شماره تاریخیت از زمانیات این مجله رسیده از تاریخ ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۳

عده مراجعین به این جوابیه است که گمان بر اینست که این جوابیه را در این شماره

مطهر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۵

۱ نمونه (۵)

بتاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۰۲ سنه  
نمبره ۸۸۵۸ ضمیمه



وزارت عدلیه

اداره

دایره

نام محرم محمدی می سید دادرگان

+ م. / ع. / م. / م.  
ع. / م.

در جواب رتبه نمره ۳۰۳۹۰۳۲ تضرر سرد و وضعی اما بهر حال ضرر است

نظر به تقصیرات دادرگانی که صحیح از تضرر خارج شمرده است و با این تضرر  
یک صحیح نایب می پذیرد پس از تضرر بودیم پس از آنکه نام درکات  
نایب خود مورد تضرر در آن مقام دولتی خود را هم تصریح بکنند تا نام درکات

بکارگزاران رسید مردم تصدیق  
۱۳۰۲

بشدت ملاحظه  
۲۵۹۹  
۱۳۰۲  
۱۳۰۲

سند شماره ۶

نویسنده	میرزا علی
تاریخ تحریر	۲۵ / ۱ مرداد / ۱۳۰۷
باکتویس کننده	سید امیر حسن سکا طبرستان
تاریخ باکتویس	۱۳ / ۵ / ۱۳۰۷
نویسنده سواد	شهر



شماره ثبت کل	۲۰۸۹۸
تاریخ ثبت	۲۹ / ۱ مرداد / ۱۳۰۷
کارتین	دوبه
شماره قبل	
نوع و عدد ضمایح	۱

مقصد و آدرس گیرنده  
تاریخ ارسال ۲۹ / ۵ / ۱۳۰۷  
نویسنده سواد  
فیود مهمه

بسمه تعالی  
ببر ارفتم چه در رسم تلبیه عرضی که بهر دو  
رئی است ازین پایه بر جسم باغ بلبلان به تاسی  
اطمع او در راه سواد آن که در برین است  
ساده و دردی که در این است  
رغای داد که در تصنیف عرضی که در  
ترویج که در این پایه بر جسد غایب  
در هر چه در دست تالیف که در درج حکمت  
ساده و دردی که در این است

۲۱۰۶۱

نوعه (۸۶)

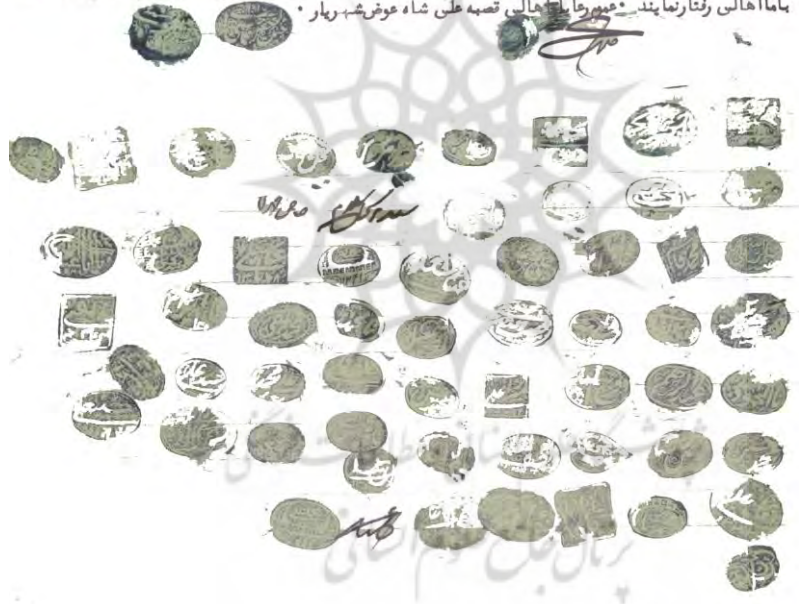
پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۷

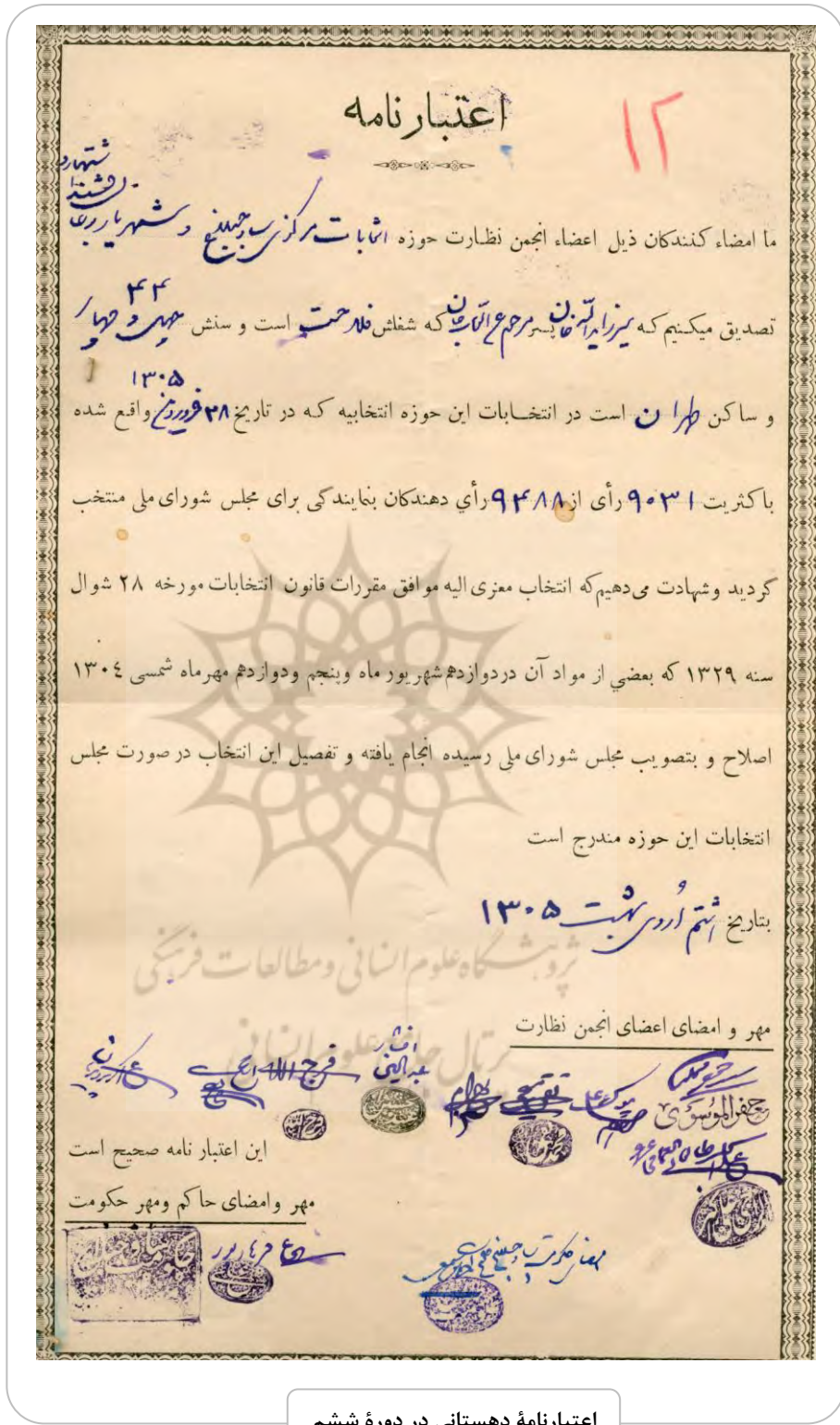


کمیسیون عالی زمین  
توسط آقای دهستانی نمایندده محترم مجلس شورای ملی  
وزارت معادن و صنایع معدنی  
۱۲۰۷۰۶  
۱۳۰۷/۱۱/۱۸  
وزارت معادن و صنایع معدنی  
مجلس شورای ملی شهید آبه ارگانه

باکمال احترام عرض می‌نمائیم در سینه ماضیه تصبه علی شاه عوض شهریار مطابق قانون ممیزی شده و صدی سه ونیم مالیات دولت را از ابایت شرب اب رودخانه وزمین تشخیص داده که خورد و مالکین بهره ازند بهمین ترتیب ورقه اظهارنامه از اهالی گرفته شده در هذ ه السنه از یکطرف امین مالیه ساوجبلاغ فشار آورده بول حقا به مطالبه دارد از یکطرف امین مالیه شهریار مطالبه صدی سه ونیم مالیات ممیزی شده را مطالبه دارد با داره مالیه ایالتی طهران شکایت می‌کنیم جراد و مالیات از ما مطالبه می‌نماید جواب مید هند در قانون ممیزی راجع بالنسب مالیات اب چیزی صریح شده پس تکلیف ما یکمشت رعیت فقیر چیست ملک بدون آب زراعت نخواهد شد قانون ممیزی راجع باب وزمین است استدعا دارم بداد یکمشت فقیر رعیت زحمتکش بیچاره برسید و تکلیف ما ها را بر ما نهد با آفتهای چند ساله اخیر از قبیل زنگ - کم ایس - سرمازدگی بمسرد رختیها - بکلی این یک مشت رعیت بس پاوازمیان رفته ام و قوه پرد اخذ و مالیات ند ارم بوزار تجلیله مالیه امرنوما بند مطابق قانون ممیزی با ما اهالی رفتار نمایند - غیر ما با اهالی تصبه علی شاه عوض شهریار



سند شماره ۸



اعتبارنامه دهستانی در دوره ششم